

خاطره نگار
فاطمه تشت زرين

مسرور شهباز



زندگی‌نامه و خاطرات شهید تفحص
سید امیر تشت زرين

www.ketab.ir

سرشناسه: تشت زرین، فاطمه، ۱۳۴۲-

عنوان و نام پدیدآور: مسافر خورشید: زندگینامه و خاطرات شهید تفحص سیدامیر تشت زرین/خاطره‌نگار فاطمه تشت زرین؛ همکاران علی شهبازی‌همت، سکینه‌خاتون تشت زرین؛ نظارت و کنترل محتوایی سید رضا موسوی.

مشخصات نشر: همدان: راویان فتح، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۶۴-۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: زندگینامه و خاطرات شهید تفحص سید امیر تشت زرین.

موضوع: تشت زرین، سید امیر، ۱۳۵۱-۱۳۷۵.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات

Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Personal narratives

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان

Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs

شهیدان -- ایران -- بازماندگان - خاطرات

Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

شناسه افزوده: شهبازی‌همت، علی

شناسه افزوده: تشت زرین، سکینه‌خاتون

شناسه افزوده: موسوی، سید رضا، ۱۳۵۱ - ناظر

رده‌بندی کنگره: DSR1۶۲۸

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۱۶۹۹۵

ایلام‌عالم: کورد کتابشناسی: فیبا

انتشارات راویان فتح



همکاران: علی شهبازی‌همت، سکینه‌خاتون

تشت زرین

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۶۴-۴-۴

چاپ و صحافی: کویر

مسافر خورشید

زندگینامه و خاطرات شهید تفحص

سید امیر تشت زرین

نویسنده: فاطمه تشت زرین

نظارت و کنترل محتوایی: سید رضا موسوی،

محمد ایرانیور

طرح جلد: فرزانه امیدی‌پارسا

ویراستاری و صفحه‌آرایی: نشر راویان فتح

دفتر نشر: همدان: ۰۹۱۸۷۰۳۶۸۰۵ - ۰۹۳۳۳۴۶۰۶۶

دفتر توزیع: همدان، خیابان میرزاده عشقی، روبروی بیمارستان سینا، کوچه شهید غفاریان، ساختمان

پیشکسوتان جهاد و شهادت، موسسه راویان فتح

۰۹۱۸۷۰۳۶۸۰۵ - ۰۹۳۳۳۴۶۰۶۶

«کلیه حقوق ناشر و مؤلف محفوظ است»

تقدیم به:

شهدای گمنام



۹	سخن ناشر		
۱۳	آغاز کلام		
۱۵	مقدمه		
۱۷	فصل اول: و چقدر نزدیک		
۴۵	فصل دوم: و آغاز آن هشت سال		
۵۹	فصل سوم: مصمم‌تر برای جبهه		
۷۳	فصل چهارم: دورتر از گذشته		
۱۰۱	فصل پنجم: دوباره جبهه، دوباره کربلا		
۱۱۵	فصل ششم: بدون او		
۱۲۵	فصل هفتم: همراه دوستان تا روز موعود		
۱۴۸	سیدرضا موسوی	۱۲۷	حسین حمدیه
۱۶۲	حسین دهقان	۱۳۰	دکتر علی احمدی
۱۷۱	جمشید مظاهری	۱۳۱	سیدصادق موسوی
۱۷۴	عباس عباسی	۱۳۳	حمید نظری مفتون
۱۷۸	رضا محمدی	۱۳۵	فرامرز رنجبران
۱۸۲	علیرضا الیاسی	۱۳۷	قاسم مهدوی
۱۸۷	مصطفی عبدالعلی زاده	۱۳۹	اصغر پرکان
		۱۴۶	حاج محمد قاسمی منفرد
۱۹۳	وصیت‌نامه		
۱۹۷	تصاویر		
۲۱۹	منابع		

باسمہ تعالیٰ

راہکار بشہادت رسیدن در خط ولایت بودن است و بعد از دفاع
از دو گذرگاہ عبور می کند: مقاومت و تفحص
که هر دو راه یک تصمیم عاشقی است، بر اساس فرمایشات خداوند
خدمت به خلق خداست، یک راه مردم ستم دیده را از بند دشمنان
آزاد می کند و یک راه بعد از سالها چشم انتظاری آسایش و آرامش
را به خانواده ای بر می گرداند، تا چشم انتظاری فقط برای
ظهور آقا ولیعصر (عج) باشد.

www.ketab.ir

باسمہ تعالیٰ

راہکار بشہادت رسیدن در خط ولایت بودن است و بعد از دفاع
مقدس از دو گذرگاہ عبور می کند: مقاومت و تفحص
که هر دو راه یک تصمیم عاشقی است، بر اساس فرمایشات خداوند
خدمت به خلق خداست، یک راه مردم ستم دیده را از بند دشمنان
آزاد می کند و یک راه بعد از سالها چشم انتظاری آسایش و آرامش را
به خانواده ای بر می گرداند، تا چشم انتظاری فقط برای ظهور آقا
ولیعصر (عج) باشد.

۱۴۰۱/۵/۱۳

سیدرضا موسوی

یادداشت ناشر

نقش رزمندگان استان همدان در انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و بعد از آن یعنی در تفحص و دفاع از حرم و امنیت بسیار چشمگیر است. حضرت امام خامنه‌ای -حفظه‌الله- از همدان با عنوان دارالمؤمنین و دارالمجاهدین یاد کردند و می‌توان گفت حضور بسیجیان، طلایه‌داران و شهیدان بزرگ این خطه همچون سایر شهرها و روستاهای ایران اسلامی در عرصه‌ها و صحنه‌های مختلف انقلاب و نیز از اقشار مختلف بیانگر نفوذ عشق به انقلاب در رگ و جان مردم این استان است.

حضور روحانیت بیدار آن همچون آیت‌الله قدوسی و آیت‌الله مفتاح، شهدای دفاع مقدس مانند سرداران شهید علی چیت‌سازیان و علی خوش‌لفظ، شهدای بیداری اسلامی مانند رسول حیدری^۱، دانشمندانی چون مصطفی احمدی‌روشن، مدافعین امنیت مانند سردار شهید سعید قهاری سعید^۲ و اسماعیل سریشی^۳، مدافعین حرم همچون سردار شهید حسین همدانی و سیدمیلاد مصطفوی از آن جمله می‌باشند.

اما شهدای تفحص همدان که به گفته سردار باقرزاده^۴ در کشور دومین استان از لحاظ تعداد است، موضوع سخن ماست. شهیدان جستجوگر نور در این استان ۸ نفرند که عبارتند از: محمد حرمت‌پسند^۵، علی اشرف المیر^۶، حمید علی‌بقالی^۷، جلال شعبانی^۸،

سیدامیر تشت زرین، حمید داسمه^۹، مرتضی تیموری نبات^{۱۰} و سردار علیرضا شمس پور^{۱۱}. این شقایق‌ها همچون شهدای گمنام، خودشان نیز گمنام هستند و تقریباً اطلاعات زیادی به صورت مکتوب از این عزیزان در دست نیست. گذشته از شهدا تعدادی از عزیزان هم در این راه لباس جانبازی به تن کرده‌اند که در بین آنها جانباز ۷۰ درصد اصغر پرکان است که از ناحیه دو چشم و یک دست آسیب دیده و شاخص‌ترین جانباز استان در این طریق می‌باشد.

جستجوگران استان همدان از سرپل‌ذهاب تا شلمچه برای یافتن شهدای دفاع مقدس حضور داشته‌اند و امروز نیز مناطق عملیاتی برون‌مرزی در عراق به گامهای استوارشان متبرک است. اینان در جستجوی آله‌های سرخ گمنام تلاش می‌کنند تا به چشم‌انتظاری خانواده‌های مفقودین پایان دهند.

اما آنچه در این کتاب خواهید خواند حاصل تلاش خانم فاطمه تشت زرین، خواهر شهید سیدامیر تشت زرین است که تلاش نموده گوشه‌ای از زندگی برادرش را با قلمی آمیخته با حس خواهرانه به تصویر کشد.

در پایان از بذل و توجه **سردار باقرزاده**، رئیس کمیته جستجوی مفقودین، نسبت به این کتاب کمال تشکر را داریم و توفیقات روزافزون را برای مجموعه تفحص خواستاریم. ضمناً از زحمات نویسنده کتاب خانم تشت زرین، برادر محسن صیفی‌کار برای انتقادات سازنده‌شان و جستجوگران نور برادران سیدرضا موسوی و حسین دهقان و طراح جلد خانم فرزانه امیدی‌پارسا و همه کسانی که یاریگر ما بودند حتی آن پسر جوانی - که او را نمی‌شناسیم - و نشانی منزل آقای پرکان را در شهر مریانج در اختیار مولف قرار داد تشکر می‌کنیم و از خداوند منان کامیابی و بهروزی را برای ایشان مسئلت داریم.

پاورقی:

۱. شهید رسول حیدری، تولد: ۱ فروردین ماه ۱۳۳۹ ملایر، شهادت: ۱۹ خرداد ماه ۱۳۷۲ (هم‌زمان با عید غدیر خم) بوسنی و هرزگوین. وی پس از پایان جنگ تحمیلی، به ادامه تحصیل در رشته علوم سیاسی دانشگاه امام حسین - علیه‌السلام - پرداخت که سال آخر تحصیلات وی با آغاز حملات صرب‌ها علیه مسلمانان بوسنی هم‌زمان شد. او تحصیلات را ناتمام رها کرد و در سال ۱۳۷۱ به‌عنوان دیپلمات جمهوری اسلامی ایران، برای دفاع از مردم مظلوم بوسنی به این کشور سفر کرد. وی بعد از هشت ماه خدمت به مظلومان بوسنی، در خردادماه ۱۳۷۲، به همراه رزمنده بوسنیایی محمد آودیچ در جاده بین شهری ویسکو-زنیسا، در کمین شبه‌نظامیان کروات (HVO) افتاد و به شهادت رسید. (منبع: <http://shahidrasulir/زندگی-نامه/>)
۲. سردار شهید سعید قهاری سعید، تولد: ۵ فروردین ماه ۱۳۳۱ اسدآباد، شهادت: ۴ اسفند ماه ۱۳۹۵ خوی. وی ۹ سال جانشین سردار شهید احمد کاظمی در قرارگاه حمزه بود و چون از پروازی که منجر به شهادت شهید کاظمی و یارانش شده، جا مانده بود دلتنگ بود. شهید قهاری در سالهای ۸۳ و ۸۴ فرمانده سپاه یزد بود و در اجلاس کنگره شهدای یزد که در ۴ اسفند ماه ۱۳۸۴ برگزار شد گفته بود: «ای شهدا شما بخواهید که من سال دیگر ۴ اسفند با شما باشم» سرانجام وی در ۴ اسفند ماه ۱۳۸۵ به همراه ۱۴ نفر دیگر در درگیری با گروهک تروریستی پژاک در منطقه خوی - سلماس در محلی به نام جهنم‌دره به شهادت رسید.
۳. شهید استوار دوم انتظامی اسماعیل سریشی، تولد: ۶ آذر ماه ۱۳۶۵ (مصادف با عید قربان) همدان، شهادت: ۲۲ اسفند ماه ۱۳۸۷ در درگیری با عوامل عبدالملک ریگی معدوم در شرق کشور. این عملیات همان عملیاتی است که شهید سیدنورخدا موسوی (اهل خرم‌آباد) نیز در آن مجروح شد و بعد از ده سال که در کما بود در سال ۱۳۹۷ به شهادت رسید. از معجزات شهید سریشی زمانی است که بعد از شهادت او، وقتی فرمانده‌اش بر بالین او حاضر می‌شود و به محض اینکه گونه او را می‌بوسد، اسماعیل چشمانش را باز می‌کند.
۴. سردار باقرزاده در مراسم تشییع شهید علیرضا شمس‌پور در همدان: «همدان بعد از استان تهران بالاترین رقم شهدای راه تفحص را داراست...»
۵. شهید محمد حرمت‌پسند، تولد: ۶ فروردین ماه ۱۳۵۲ صالح‌آباد همدان، شهادت: ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۱. (منبع: سامانه گلزار و مزار شهدا: www.golzar.issar.ir، وابسته به پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران)
۶. شهید علی‌اشرف الممیر، تولد: ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۴ تویسرکان، شهادت: ۲۱ شهریور ماه ۱۳۷۳. (منبع: golzar.issar.ir)
۷. شهید حمید علی‌بقالی، تولد: ۱ شهریور ماه ۱۳۵۳ کیودرآهنگ، شهادت: ۱۲ دی ماه ۱۳۷۳ مریوان. (منبع: golzar.issar.ir)

۱۲ مسافر خورشید

۸. شهید جلال شعبانی، تولد: ۱۹ مرداد ماه ۱۳۵۱ روستای آق تپه نشر شهرستان همدان، شهادت: ۳۰ شهریور ماه ۱۳۷۴ منطقه قلاویزان (منبع: زندگینامه شهید جلال شعبانی، سایت کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، www.tafahoseshohada.ir/fa/tafahos2/st/shjsh/زندeghi)
۹. شهید حمید داسمه، تولد: ۱۵ خرداد ماه ۱۳۵۶ همدان، شهادت: ۲۸ خرداد ماه ۱۳۷۶ طلائیه. (منبع: golzar.issar.ir)
۱۰. شهید تفحص و جانباز دفاع مقدس مرتضی تیموری نیات، تولد: ۲ خرداد ماه ۱۳۴۶ همدان، شهادت: ۴ اسفند ماه ۱۳۸۸ دهلران، دشت عباس (منبع: golzar.issar.ir)
۱۱. جانباز دفاع مقدس، مدافع حرم و جستجوگر نور شهید علیرضا شمسی پور، تولد: ۱ خرداد ماه ۱۳۴۲، شهادت: ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ پنجوین عراق.

آغاز کلام

خداوند عزوجل را سپاس گزارم که مرا یاری نمود تا این کتاب را برای شهید عزیز بنگارم و باز بسیار از پروردگارم سپاس گزارم که از بین همه کسانی که تمایل به نوشتن خاطرات یا زندگینامه شهید سیدامیر را داشتند این فرصت را در اختیار من قرار داد.

ناسپاسی است اگر از خواهر عزیزم یاد نکنم که با بهایی من بود تا کار به اتمام رسید و نیز از همسر آقای علی شهبازی همّت که در انجام مصاحبه‌ها با دوستان امیر، بنده را بسیار یاری نمودند. از یکایک دوستان سیدامیر که صمیمانه ما را در کنار خود پذیرفتند و اجازه دادند تا صحبت‌هایشان مستند شود تشکر می‌کنم. هم‌چنین از جناب آقای ایران‌پور بسیار قدردانم که مشوق اصلی من در نگارش کتاب بودند و با پیگیری چند ساله‌شان به لطف خدا این فرصت فراهم آمد. در نهایت از ویراستار محترم کتاب که صبورانه بارها و بارها نوشته‌ها را مطالعه و متن را مناسب چاپ کردند، بسیار متشکرم.

بندهٔ عاجزی چون من، دستی تهی دارم تا قادر به جبران زحمات یکایک شما عزیزان باشم؛ اما از خداوند منان ملتسمانه می‌خواهم اجر نیکوی شما را هم‌جواری با بانوی دو عالم حضرت زهرا -علیهاالسلام- قرار دهد.

فاطمه تشت زربین / دی ماه ۱۳۹۹

مقدمه

مدت زیادی از پیشنهاد حاج آقا ایران پور برای نوشتن خاطرات برادرم امیر می‌گذشت و من که خیلی حس و حال نوشتن نداشتم اگر جایی ایشان را می‌دیدم تغییر مسیر می‌دادم تا حاج آقا دوباره موضوع نوشتن کتاب را یادآوری نکند. اولاً حوصله نداشتم، ثانیاً من فقط از بچگی تا زمانی که با او بودم می‌توانستم بنویسم و ثالثاً اینکه هم‌زمان و دوستان او را نمی‌شناختم. اینها هر کدام به خودی خود می‌توانست عاملی باشد برای عدم تمایل به نگارش و شاید از دید دیگران عاملی برای تنبلی.

عید سال ۱۳۹۶ که به اصرار حاج آقا ایران پور به دیدار ایشان رفتیم قرار بر این شد که همه اعضای خانواده، نوشتن را آغاز کنیم و چون نمی‌دانستیم از کجا و چگونه شروع کنیم باز هم خیلی به آن اهمیت ندادم تا اینکه دی ماه سال ۱۳۹۶ باز نشسته شدم. از آن پس دائماً احساس می‌کردم که کسی در گوشم زمزمه می‌کند: «پس سهم من از وقت شما چه می‌شود؟ چرا حاضر نیستید برای من قلم بزنید؟» بالاخره شروع کردم و از همان موقع به نظرم می‌رسید که خود امیر به من می‌گوید از کجا شروع کنم و چطور بنویسم. با ملاقات یک دوست، دو نفر دیگر را معرفی می‌کرد و این پیوسته ادامه پیدا کرد تا اینکه توانستم مجموعه‌ای را البته نه درخور شأن شهید

گردآوری کرده و به نگارش درآورم. این مجموعه در هفت فصل که شامل خاطرات خانواده (شش فصل)، همکلاسی‌ها و همزمان منطقه (یک فصل) است جمع‌آوری شده که امیدوارم مورد توجه و عنایت حق تعالی قرار گیرد.

www.ketab.ir